Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2024; 2: e27

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

Complete Compensation for Damages Resulting from Medical Errors: A Right Based on the Philosophy of Restitution

Ali Ahmadi[1*], Ali Pourjavaheri[2]

1. Department of Private Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
2. Department of Urisprudence and Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: This article examines the right of patients to full compensation for damages resulting from medical errors, based on the philosophy of compensation. The main objective is to clarify the various dimensions of compensation, including financial and moral damages, following medical shortcomings. The article seeks to achieve full compensation for damages by analyzing existing laws, the challenges ahead and strategies to enhance the protection of patients' rights.

Methods: This research was conducted using a comparative-analytical method, utilizing jurisprudential and legal resources as well as library sources.

Ethical Considerations: In this research, ethical principles related to library studies, including the authenticity of texts, honesty and integrity, has been fully observed.

Results: The findings of the research indicate that in the event of a medical error, the patient has the right to claim not only financial damages but also compensation for moral damages. However, the judicial system in Iran does not have a consistent and clear approach in this regard, facing challenges such as uncertainty in the payment of blood money for physical injuries and legal ambiguity regarding additional damages. Despite the explicit mention in laws of the possibility of claiming moral damages, the judicial practice rarely accepts such requests and jurisprudence has also addressed the issue of moral damages in a limited manner. Overall, there are challenges and obstacles to achieving full compensation for damages.

Conclusion: The violation of patients' rights and the failure to achieve full compensation for damages resulting from medical errors have created serious challenges for the judicial system and the health sector. Weak oversight, neglect of patients' rights and the absence of comprehensive and coherent supportive laws are among the significant factors contributing to these challenges. Therefore, it is necessary for lawmakers to adopt a compensatory approach aimed at protecting patients, especially those with special needs, to address the legal and judicial shortcomings and to provide the necessary measures for full compensation of material and moral damages resulting from medical errors.

Keywords: Actual Compensation; Medical Malpractice; Philosophy of Compensation

Corresponding Author: Ali Ahmadi; **Email:** a.ahmadi5667@iau.ac.ir

Received: November 04, 2024; **Accepted:** February 04, 2025; **Published Online:** March 10, 2025

Please cite this article as:

Ahmadi A, Pourjavaheri A. Complete Compensation for Damages Resulting from Medical Errors: A Right Based on the Philosophy of Restitution. Health Law Journal. 2024; 2: e27.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

Copyright©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره دوم، ۱۴۰۳

جبران کامل خسارت‌های ناشی از خطای پزشکی: حقی بر پایه فلسفه جبران

علی احمدی[۱*]، علی پورجواهری[۲]

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله به بررسی حق بیماران در جبران کامل خسارت‌های ناشی از خطای پزشکی، بر اساس فلسفه جبران می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین ابعاد مختلف جبران خسارت، از جمله خسارات مالی و معنوی، در پی قصورات پزشکی است. مقاله با تحلیل قوانین موجود، چالش‌های پیش رو و راهکارهای ارتقای حمایت از حقوق بیماران، به دنبال تحقق جبران کامل خسارت‌هاست.

روش: این پژوهش به روش تطبیقی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، اصول اخلاقی مرتبط با مطالعات کتابخانه‌ای، از جمله اصالت متون، صداقت و امانتداری به طور کامل رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در صورت احراز خطای پزشکی، بیمار حق دارد علاوه بر خسارت‌های مالی، مطالبه جبران خسارت‌های معنوی خود را نیز داشته باشد. با این حال، نظام قضایی ایران در این زمینه دارای رویه‌ای ثابت و روشن نبوده و چالش‌هایی مانند عدم قطعیت در پرداخت دیه برای صدمات جسمانی و ابهام قانونی در خصوص خسارات مازاد، وجود دارد. علیرغم تصریح قوانین به قابلیت مطالبه خسارت معنوی، رویه قضایی به ندرت این نوع درخواست‌ها را می‌پذیرد و فقه نیز به صورت محدود به موضوع خسارات معنوی پرداخته است. به طور کلی، چالش‌ها و موانعی بر سر راه جبران کامل خسارت‌ها وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نقض حقوق بیماران و عدم تحقق جبران کامل خسارت‌های ناشی از خطاهای پزشکی، چالش‌هایی جدی برای دستگاه قضایی و نظام سلامت ایجاد کرده است. ضعف نظارت، بی‌توجهی به حقوق بیماران و نبود قوانین حمایتی جامع و منسجم، از جمله عوامل مهم این چالش‌ها هستند. بر این اساس، لازم است قانونگذار با رویکردی جبرانی و با هدف حمایت از بیماران، به ویژه بیماران خاص، به رفع کاستی‌های قانونی و قضایی بپردازد و تمهیدات لازم برای جبران کامل خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از خطای پزشکی را فراهم کند.

واژگان کلیدی: خسارت واقعی؛ خطاهای پزشکی؛ فلسفه جبران

نویسنده مسئول: علی احمدی؛ **پست الکترونیک:** a.ahmadi5667@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۱/۱۶؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Ahmadi A, Pourjavaheri A. Complete Compensation for Damages Resulting from Medical Errors: A Right Based on the Philosophy of Restitution. Health Law Journal. 2024; 2: e27.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

مقدمه

در دنیای امروز، حقوق بشر و تأمین عدالت اجتماعی به عنوان دو مؤلفه حیاتی در تمامی نظام‌های قضایی و قانونی کشورها شناخته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ارکان این مفهوم، حق مطالبه خسارت ناشی از جرائم پزشکی می‌باشد که در آن بیماران به عنوان قربانیان خطاهای پزشکی، نیاز به حمایت‌های قانونی دارند. بی‌شک، جرم‌های پزشکی نه‌تنها بر سلامت جسمی و روحی بیماران اثر می‌گذارند، بلکه به اعتبار و اعتماد عمومی به نظام خدمات درمانی نیز آسیب می‌زنند. بنابراین بررسی ابعاد مختلف این موضوع، ضرورت و اهمیت ویژه‌ای دارد.

این مقاله با هدف تحلیل و توصیف حق مطالبه خسارت واقعی ناشی از جرائم پزشکی، بر مبنای فلسفه جبران، تدوین گردیده است. تحقیق حاضر به بررسی فرضیات و سؤالات کلیدی مرتبط با این موضوع می‌پردازد. در این راستا، هدف اصلی مقاله، شناسایی و تبیین اصول و مبانی نظری و عملی حق مطالبه خسارت برای بیماران در نظام حقوقی کشور بوده و همچنین نگاهی عمیق به دیدگاه‌های فلسفی و حقوقی مرتبط با مفهوم جبران خسارت دارد.

سؤالات مهمی که در این پژوهش مطرح می‌شود، شامل این موارد است: چه عواملی منجر به نقض حق بیماران در مطالبه خسارت ناشی از جرائم پزشکی می‌گردد؟ سازوکارهای قانونی موجود چه نقاط ضعفی دارند و چگونه می‌توان آن‌ها را بهبود بخشید؟ آیا فلسفه‌های جبران خسارت می‌توانند پاسخگوی نیازهای بیماران باشند؟

فرضیات اصلی این مقاله بر این اساس است که حق مطالبه خسارت در جرائم پزشکی به میزان زیادی تحت تأثیر عدم آگاهی بیماران و کمبود سازوکارهای مؤثر حمایت قانونی قرار دارد. همچنین فلسفه‌های جبران، به عنوان چهارچوب نظری، می‌توانند نقش به سزایی در ارتقای این حق و حمایت از بیماران ایفا کنند.

به طور کلی، این مقاله به دنبال آن است که با استفاده از روش تحقیق، ضمن بررسی ابعاد مختلف حق مطالبه خسارت ناشی از جرائم پزشکی، به نوآوری‌هایی در این زمینه دست یابد و راهکارهایی عملی برای بهبود وضعیت کنونی ارائه کند. در نهایت امید است که نتایج این تحقیق بتواند راهگشای بهبود عدالت در نظام پزشکی کشور و تأمین حقوق بیماران باشد.

روش

این تحقیق با بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی به روش توصیفی ـ تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که حق مطالبه خسارت واقعی ناشی از جرائم پزشکی بر مبنای فلسفه جبران، در سیستم‌های قانونی و اجتماعی به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. عدم وجود چهارچوب‌های مناسب برای جبران خسارت منجر به نقض حقوق بیماران و بروز آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تری شده است، لذا نیاز است تا با تکیه بر اصول حقوقی و فلسفی، مسیرهای مؤثری برای تحقق عدالت و جبران صحیح خسارت‌های واردشده به بیماران تعیین گردد. این امر نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی بیماران کمک خواهد کرد، بلکه به عنوان یک اقدام ضروری در جهت ارتقای سطح عمومی اعتماد به سیستم‌های درمانی و پزشکی محسوب می‌شود.

بحث

۱. قلمرو فقه و اخلاق در پزشکی: فقه پزشکی، حکم یک عمل یا اقدام بیرونی را تعیین می‌کند، در حالی که اخلاق پزشکی بر اساس کمال‌گرایی، دستورالعمل‌ها و وظایف را در چهارچوب‌های «شایسته» و «ناشایست» بررسی می‌کند. اگر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

مباحث فقهی را مشابه قوانین در نظر بگیریم، مباحث اخلاقی نیاز به دامنه وسیع‌تری دارند، زیرا احکام فقهی و قانونی بیشتر بر اعمال بیرونی افراد تمرکز دارند و دارای ضمانت اجرای بیرونی هستند. در مقابل، مسائلی مانند فروتنی و تکبر فاقد احکام حقوقی محکم هستند. اصول چهارگانه اخلاق پزشکی، شامل خودمختاری، خیرخواهی، عدم زیان و عدالت، هم بر اعمال بیرونی و هم درونی تأثیر می‌گذارد (۱). اخلاق، فضایل و رذایل را تعریف و قابلیت نقد، تفسیر و نظارت بر برخی قوانین را دارد، اما انگیزه درونی ضامن اصلی اجرای آن‌هاست. این نکات نشان می‌دهد که هر یک از فقه پزشکی و اخلاق پزشکی قلمرو مستقل و هویت خاص خود را دارند و همکاری حداکثری برای حفظ ثبات ضروری است. با توجه به تأثیرگذاری حرفه پزشکی بر جان و مال انسان‌ها و نیاز جامعه به خدمات پزشکی، پزشکان باید به احکام فقهی و ضوابط اخلاقی پایبند باشند. همچنین کسب دانش از مکاتب غیر مسلمان در اسلام ممنوع نیست، مشروط بر اینکه اصول اسلامی نادیده گرفته نشوند. بنابراین فقه پزشکی و اخلاق پزشکی مکمل یکدیگرند و با بهره‌مندی از هر دو، جامعه پزشکی می‌تواند در حرفه خود موفق‌تر عمل کند.

۲. بررسی انواع خسارت مادی و معنوی: خساراتی که ممکن است در طی مراحل درمان به بیمار وارد آید، به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول خسارات مادی هستند؛ دسته دوم خسارات معنوی؛ دسته سوم خسارات ناشی از عدم‌النفع هستند. در ادامه به طور مشروح هر کدام از این خسارات را بررسی می‌کنیم.

خسارت‌های مادی به آسیب‌ها و زیان‌هایی که به جسم، جان و مال انسان وارد می‌شود، اطلاق می‌گردد و شامل مواردی از قبیل بیماری، نقص عضو و فوت است. در صورتی که بیمار بهبود یابد، خسارات به دو بخش هزینه‌های درمان و از دست‌دادن درآمد تقسیم می‌شود. تعیین این خسارات برای افراد حقوق‌بگیر ساده‌تر است، اما برای خوداشتغال‌ها می‌تواند پیچیده باشد. در صورت سوءمعالجه، ممکن است بیمار دچار نقص عضو شود که بر اساس تعیین کارشناسان پزشکی درصد آن مشخص می‌شود و بر همین اساس غرامت محاسبه می‌گردد. فوت بیمار شدیدترین حالت بوده و تنها در صورت خطای پزشک مسئولیت قانونی به همراه دارد و می‌تواند خسارات مالی برای خانواده بیمار به دنبال داشته باشد (۲).

خسارت معنوی به آسیب‌هایی که به حیثیت و اعتبار افراد وارد می‌شود، اشاره دارد و شامل خسارات مالی نیست. قانونی‌بودن این خسارات به طور واضح مورد تأیید قرار گرفته و مسئولیت جبران آن بر عهده قاضی یا دولت است. اصل ۲۲ قانون اساسی از حقوق افراد در برابر تعرضات محافظت می‌کند و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت جبران خسارت را به عهده کسی می‌گذارد که به حقوق دیگران آسیب می‌زند (۳).

آسیب‌های معنوی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱ـ آسیب به سرمایه اخلاقی اجتماعی؛ ۲ـ آسیب به عواطف فردی. این افراد می‌توانند خواستار جبران خسارت مالی و معنوی باشند و دادگاه می‌تواند احکامی اضافی مانند عذرخواهی نیز صادر کند. یکی از مباحث مهم درباره صدمات جسمانی ناشی از خطاهای پزشکی، خسارت ناشی از درد و رنج است. قابل توجه است که امکان ارزیابی کارشناسی این نوع خسارات وجود دارد، اگرچه همه جبران‌ها به پرداخت مبلغ ختم نمی‌شوند، اما پرداخت وجه یکی از آسان‌ترین روش‌هاست. به نظر می‌رسد این نوع خسارت را می‌توان در زمره خسارات معنوی قرار داد و بر اساس اصل کلی قابلیت مطالبه، آن را نیز قابل مطالبه دانست (۴).

خسارت بیمار در نتیجه از دست‌دادن شانس بهبودی و ادامه حیات، مسأله اصلی دیگری در حوزه پزشکی مربوط به نقص در تشخیص و درمان است که می‌تواند شانس بهبودی بیماران را کاهش دهد و منجر به معلولیت شود. این موضوع به بررسی رابطه بین قصور کادر درمانی و آسیب ناشی از اتلاف فرصت درمان و نحوه ارزیابی این خسارت می‌پردازد. نظریه از دست‌دادن فرصت به مسأله پیچیده رابطه سببیت و مسئولیت درمانگران می‌پردازد. سخت‌گیری در تشخیص این رابطه ممکن است به معافیت پزشکان منجر شود و از سوی دیگر،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

توجیه مسئولیت تمام افراد مقصر نیز نامناسب به نظر می‌رسد. قانونگذار ایران نیز به این موضوع توجه کرده و جریمه‌هایی برای مواردی که منجر به از دست رفتن شانس درمان می‌شوند، تعیین کرده است (۵).

خسارت ناشی از عدم‌النفع، عدم‌النفع به معنی «محروم‌شدن از منفعتی که شخص انتظار داشت» است. معلولیت‌های ناشی از نقص عضو بیماران و پیامدهای آن نمونه‌ای از خسارات ناشی از عدم‌النفع است. تشخیص دقیق ضررهای آتی نتیجه آسیب به بدن یا سلامتی دشوار است و اغلب معیارهای قطعی ندارد، زیرا آسیب بدنی ممکن است ثابت نماند. در برخی موارد، توانایی کار می‌تواند کمتر یا بیشتر از آنچه در زمان صدور حکم تشخیص داده شده، تغییر کند. همچنین ممکن است توانایی کار از بین برود یا بهبود یابد.

در این بخش به بررسی اجمالی خسارات ناشی از عدم‌النفع در نظرات فقها و حقوقدانان می‌پردازیم.

فقها به طور رایج جمله «عدم‌النفع ضرر نیست» را بیان می‌کنند و بر همین اساس، بسیاری از آن‌ها عدم‌النفع را مشمول ضمان نمی‌دانند، اما برخی از فقیهان معتقدند مصادیق مختلف عدم‌النفع حکم یکسانی ندارند؛ به این معنا که اگر تمامی شرایط عدم‌النفع محقق شده باشد، صدمه به آن ضمان‌آور است (۶).

مرحوم نائینی می‌گوید: «ضرر عبارت است از فقدان چیزی که انسان آن را داراست؛ چه نفس، چه عرض، چه مال یا جوارح. بنابراین اگر مال یا عضوی از بدن به دلیل اتلاف یا تلف دچار کاهش گردد یا روح از بدن جدا شود، یا به عرض او لطمه‌ای وارد آید، چه اختیاری یا غیر اختیاری، ضرر بر او واقع شده است. بر اساس عرف، اگر شرایط عدم‌النفع کامل باشد، این نیز ضرر محسوب می‌شود.»

نکته مهم این است که فقیهانی که عدم‌النفع را ضرر نمی‌دانند، این بحث را غیر فقهی تلقی کرده و معتقدند نظریات آن‌ها در این موضوع از منظر لغت و عرف است. از این رو اگر عرف عدم‌النفع را ضرر بداند، باید بدون شک جبران شود، چراکه ماهیت ضرر در اسلام نفی شده است (۷).

اکثر حقوقدانان بر این باورند که در حقوق ایران، عدم‌النفع نوعی خسارت است که به متضرر وارد می‌شود و بر اساس قوانین و اصول حقوقی قابل مطالبه و جبران است، مشروط بر اینکه منفعت فوت شده مسلم و شرایط آن فراهم باشد. بنابراین عامل و مسئول ضرر موظف به جبران خسارت است، زیرا در صورت عدم ورود ضرر، متضرر از منافع ممکن‌الحصول بهره‌مند می‌شد و دارایی‌اش افزایش می‌یافت، در حالی که اکنون از آن محروم است.

ماده ۲۲۶ قانون مدنی ایران به خسارت اشاره دارد و خسارت عدم‌النفع را مستثنی نکرده است. از این رو عدم‌النفع نیز مشمول این ماده می‌باشد. همچنین بند ۳ ماده ۹ قانون قدیم آیین دادرسی کیفری، منافع ممکن الحصول را به عنوان ضررهای قابل وصول معرفی کرده است. با این حال، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بیان می‌کند که «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست.»

این ماده از نظر فقهی و حقوقی اشکالاتی دارد؛ از یکسو، عدم‌النفع به عنوان ضرر پذیرفته شده و از سوی دیگر، اعلام شده که این خسارات قابل مطالبه نیست. اگر عدم‌النفع به عنوان ضرر شناخته شود، باید مانند سایر خسارات جبران گردد، زیرا جبران ضرر از اصول عقلی بوده و عقل ضرورت آن را می‌طلبد. همچنین روایتی مانند «لاضرر» نیز به این نکته تأکید دارد (۸).

در تفسیر این ماده باید توجه داشت که عدم‌النفع اشاره به نفعی دارد که شرایط تحقق آن کامل نیست و چنین عدم‌النفعی قابل مطالبه نیست، اما منافع ممکن‌الحصول مذکور در ماده ۹ قانون قدیم آیین دادرسی کیفری به «عدم‌النفع مسلم» تعبیر می‌شود و فقها عدم‌النفع را در صورت فراهم‌بودن مقتضیات، ضرر می‌دانند.

ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی به طور ضمنی به خسارت ناشی از عدم‌النفع اشاره می‌کند. قاضی باید برای جبران خسارت به کاهش نیروی کار و درآمد توجه نماید. به عبارتی، جبران خسارت باید آثار لطمات وارده را از میان بردارد. این ماده مقرر می‌دارد: «... در صورت مرگ آسیب‌دیده، زیان شامل کلیه هزینه‌ها، به ویژه هزینه کفن و دفن خواهد بود. اگر مرگ

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

فوری نباشد، هزینه درمان و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزو زیان محسوب خواهد شد.»
بنابراین در دنیای پیشرفته امروز، منافع مسلم مورد انتظار دارای ارزش اقتصادی بوده و به عنوان مال شناخته می‌شوند. جلوگیری از تحقق آن توسط عامل زیانبار، موجب کاهش دارایی متضرر می‌گردد. بر این اساس، دادگاه‌ها با ورودی خسارت عدم‌النفع، حکم به جبران آن داده و دارایی متضرر را به حالت تعادل می‌رسانند.

۳. جبران خسارت مادی و معنوی: هدف اصلی مسئولیت مدنی جبران خسارت و بازگرداندن تعادل ناشی از زیان است. طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، «دادگاه میزان زیان و روش جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین می‌کند.» جبران خسارت می‌تواند به دو صورت انجام شود:
۱ـ بازگرداندن وضعیت سابق زیان‌دیده به گونه‌ای که گویی زیان وارد نشده است؛
۲ـ جبران خسارت از طریق ارائه معادل که در این حالت ارزش معادل خسارت به دارایی زیان‌دیده افزوده می‌شود (۹).
بازگرداندن وضع پیشین زیان‌دیده، جبران خسارت به فرد زیان‌دیده نیازمند اقداماتی است که وضعیت او را به حالت قبلی بازگرداند، هرچند این امر همیشه ممکن نیست. موانع مادی یا حقوقی می‌توانند مانع از جبران خسارت، به ویژه در موارد آسیب‌های معنوی شوند. در برخی موارد، حذف منبع ضرر، مانند الزام پزشک به انجام عمل جراحی مجدد، می‌تواند بهترین روش جبران باشد. طبق ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه می‌تواند علاوه بر خسارت مالی، احکام دیگری نظیر الزام به عذرخواهی صادر کند. همچنین طبق ماده ۸ این قانون، فردی که به حیثیت دیگری آسیب می‌زند، مسئول جبران آن است و زیان‌دیده می‌تواند خسارت‌های گذشته را مطالبه کند (۱۰).
جبران ضرر از راه‌دادن معادل، در بسیاری از موارد، اجرای عینی تعهد و بازگرداندن وضعیت متضرر به حالت اولیه ممکن نیست. بنابراین قاضی ناگزیر به صدور حکم پرداخت خسارت است. جبران بدلی از دو روش اعطای مثل و پرداخت قیمت انجام می‌شود. در مسئولیت پزشکی، با توجه به ارتباط مسائل با جان، جسم، درد و معلولیت، شئ آسیب‌دیده نمی‌تواند مثلی محسوب شود و بنابراین پرداخت مثل معنایی ندارد. در دعاوی پزشکی، پرداخت پول به عنوان رایج‌ترین شکل جبران ضرر و زیان مطرح است، زیرا جبران مالی برای برقراری توازن در دارایی زیان‌دیده و بازگرداندن ارزش از دست‌رفته صورت می‌گیرد.
ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی تصریح می‌کند: «اگر آسیبی به بدن یا سلامتی کسی وارد شود که موجب نقص یا کاهش قدرت کار وی گردد، واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات است.» معمولاً خسارت به صورت یک جا پرداخت می‌شود، اما این ماده به دادگاه اجازه می‌دهد در شرایط خاص، جبران خسارت را به صورت مستمری تعیین کند. در مسئولیت پزشکی، اگر فردی به خاطر سوءدرمان معلول شود، دادگاه حکم به جبران خسارت تا بهبودی کامل یا در صورت ناتوانی دائمی، خسارت مادام‌العمر می‌دهد.
این ماده همچنین امکان تغییر میزان خسارت تا روز صدور حکم را فراهم می‌کند: «... اگر تعیین عواقب صدمات بدنی غیر ممکن باشد، دادگاه ظرف دو سال حق تجدید نظر خواهد داشت.» در صورت خطای پزشکی که به آسیب بیمار منجر می‌شود، ممکن است خطر در هنگام مطالبه خسارت از زمان درمان تا صدور حکم افزایش یابد. قاضی در ارزیابی خسارت، حادثه را از زمان وقوع تا زمان صدور حکم در نظر خواهد گرفت.
اصل بر این است که در ارزیابی خسارت به وضعیت خطای پزشک توجه نشود و خسارت به اندازه شدت ضرر تعیین گردد، اما ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، شدت خطا و وضعیت شخصی واردکننده زیان را در تخفیف خسارت مؤثر می‌داند. بر اساس این ماده، دادگاه می‌تواند در موارد خاص میزان خسارت را کاهش دهد، مانند زمانی که واردکننده زیان به زیان‌دیده کمک کرده باشد یا وقوع خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض باشد (۱۱).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

قانون مجازات اسلامی، بر اساس فقه امامیه، مبالغی (دیه) را برای جبران خسارت‌های فوت و نقص عضو تعیین کرده است، اما این فرض مانع از آن نمی‌شود که قربانی جرم جنایی (شبه عمد) خسارت بیشتری را ثابت کند (۱۲).

در صورت تخلف پزشک و آسیب به بیمار، طبق قانون پزشک مسؤول پرداخت دیه است. این بخش ابتدا به ماهیت دیه و سپس به امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه پرداخته است.

دیه یا خون‌بها مالی است که به علت نقض تمامیت جسمانی شخصی که مهدورالدم نیست، به طور شرعی پرداخت می‌شود. دیه به عنوان کیفر از سوی شارع برای جنایت تعیین شده و در متون فقهی در کنار حدود و تعزیرات قرار دارد. این تقسیم‌بندی به معنای مجازاتی‌بودن دیه نیست، زیرا احکامی که در مورد دیه مطرح می‌شود، گاهی به جرم مربوط نمی‌شود و عناصر تشکیل‌دهنده عمل مجرمانه، مانند سوءنیت، در آن‌ها دخالت ندارد. یکی از حقوقدانان بیان کرده است که این مباحث بیشتر به ضمانت‌ها و آسیب‌های بدنی به زیان‌دیده مربوط می‌شود. قرارگرفتن دیه در کنار حدود و تعزیرات به این دلیل است که حتی در موارد غیر جرمی نیز سهل‌انگاری وجود دارد و در حقوق غرب به عنوان شبه‌جرم تلقی می‌شود. همچنین غالباً جرم با ضرر و زیان همراه است که این ارتباط را تقویت می‌کند (۱۳).

نظریه کیفری‌بودن دیه با انتقادات مواجه است. اگر دیه مجازات است، چرا در موارد جنایت خطای محض هم در نظر گرفته می‌شود؟ در خطا و شبه‌عمد، عمل مرتکب جرم به معنای خاص نیست، زیرا عنصر روانی عدوان وجود ندارد. اصل جهانی «شخصی‌بودن جرائم و مجازات‌ها» تأکید می‌کند که هیچ کس به دلیل جرم دیگری مجازات نمی‌شود. در این صورت، اگر دیه عقوبتی باشد، نمی‌تواند به دیگران تحمیل شود، اما در قتل و ایراد ضرب و جرح خطای محض، دیه بر عاقله است و در موارد عمد و شبه‌عمد اگر جانی فرار کند، تأمین دیه بر عاقله و در برخی موارد از بیت‌المال انجام می‌شود. دیه نمی‌تواند جریمه مالی باشد، زیرا جریمه به دولت تعلق دارد، در حالی که دیه به مجنی‌علیه یا اولیای او پرداخت می‌شود (۱۴).

بنابراین تصور اینکه دیه تنها جنبه کیفری دارد، نادرست است. صرف در نظرگرفتن دیه به عنوان جبران خسارت و ماهیت مدنی آن نیز قانع‌کننده نیست، چراکه قواعد جبران خسارت و مسئولیت مدنی با دیه تطابق ندارد. همچنین برخی ویژگی‌های دیه آن را به مجازات نزدیک می‌کند. به عنوان مثال، در قتل غیر عمد در ماه‌های حرام، جانی باید علاوه بر دیه، یک‌سوم دیه کامل را نیز پرداخت کند، در حالی که اگر دیه صرفاً جبران خسارت بود، تفاوتی میان ماه‌های حرام و غیر آن وجود نداشت.

با توجه به اشکالات جدی بر دیدگاه‌های فوق، تنها نظری که درباره ماهیت دیه قابل قبول است، ترکیب جنبه‌های کیفری و مدنی آن می‌باشد. در واقع، دیه هم به عنوان مجازات عمل می‌کند و هم وسیله‌ای برای جبران ضرر زیان‌دیده است. یکی از اساتید حقوق، می‌گوید: «دیه امری اعتباری است و ماهیت آن می‌تواند کیفری، مدنی یا هر دو باشد.» نیازی نیست که همه نهادهای حقوقی، از جمله دیه، به یکی از دو دسته کیفری یا مدنی ملحق شوند، زیرا بسیاری از نهادهای حقوقی قدیم ماهیت مرکب دارند (۱۵).

در نظام کیفری اسلامی نیز برخی نهادها دارای ماهیت دوگانه هستند که حقوق عمومی و خصوصی را در نظر می‌گیرند. این دیدگاه از جنبه فقهی و منابع شرعی نیز ایرادی ندارد، چنانکه آیتا... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتاء درباره ماهیت دیه بیان می‌کند که دیه هر دو جنبه جبران خسارت و بازدارندگی را داراست. او همچنین تأکید می‌کند که دیه هم بدهی است و هم مجازات. مرحوم بهجت نیز اذعان دارد که دیه عنوان مستقلی است که در بعضی موارد ممکن است به مجازات یا خسارت نزدیک باشد (۱۶).

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز دوگانه‌بودن ماهیت دیه را پذیرفته و در یک نظر مشورتی اعلام می‌کند که دیه به عنوان مجازاتی مالی، در عین حال یک دین و حق مالی برای اولیای دم است و با فوت محکوم‌علیه باید از اموال متوفی تأمین گردد. پذیرش این نظر مسائل دیگری مانند امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه را نیز آسان‌تر می‌کند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

از زمان تصویب قانون دیات در سال ۱۳۶۱، این سؤال در محافل حقوقی مطرح شده است که آیا قاضی می‌تواند خسارت‌های مادی بیشتر از دیه قانونی را جبران کند. به عبارتی، آیا تعیین مبلغ دیه به معنای عدم امکان مطالبه خسارت اضافی است؟ مراجع قضایی اولیه اعلام کردند که مدعی تنها مستحق دیه شرعی است و حق مطالبه خسارت بیشتر ندارد. دیوان عالی کشور نیز این نظر را تأیید کرده و بیان کرده که دعوی زیان به غیر از دیه مجاز نیست. این نظریات برای قربانیان ضرب و جرح که دیه پرداختی کفایت نمی‌کند، قانع‌کننده نیست.

برخی فقها از جمله آیات عظام محمدتقی بهجت و فاضل لنکرانی معتقدند دریافت خسارت غیر از دیه در جنایات مشروع نیست. دلایل این نظریه عبارتند از:

۱ـ شارع تنها دیه را واجب کرده و به خسارت‌های دیگر اشاره نکرده است؛ در آیه ۹۲ سوره نساء مربوط به دیه، فقط به دیه مسلمه اشاره شده و سایر خسارت‌ها به چشم نیامده است؛

۲ـ شارع خسارت‌های ناشی از تلف نفس و عضو را تقویم کرده و برای آن‌ها دیه تعیین کرده است؛

۳ـ دیه در زمان شارع نتوانسته تمام خسارت‌ها را جبران کند و هیچ راهی برای جبران سایر خسارت‌ها پیش‌بینی نشده است (۱۷).

در مقابل، گروهی از فقها معتقدند جبران خسارت‌های اضافی بر دیه ضروری است. این گروه با استناد به قاعده لاضرر می‌گویند که اگر کسی به دیگری خسارتی وارد کند، باید آن را جبران کند، خواه از طریق دیه یا خسارت اضافی. دیه تنها مجازات نیست، بلکه برای جبران ضررهای بدنی نیز در نظر گرفته شده است و عدم وجود حکم جبران می‌تواند ضررها را بی‌پاسخ بگذارد. بنابراین دیه به عنوان یکی از مصادیق قاعده لاضرر شناخته می‌شود (۱۸).

قاعده تسبیب استدلال می‌کند که خسارت‌های ناشی از جنایت به عهده جانی است، زیرا او با عمل مجرمانه خود این خسارت‌ها را ایجاد کرده است، هرچند واژه تسبیب در روایات نیامده، اما مسئولیت هر کسی که موجب جنایت شده، قابل قبول است و بر اساس عقل، بین دیه و خسارات تفاوتی وجود ندارد. بنابراین حکم ضمان می‌تواند به عنوان قاعده کلی پذیرفته شود.

دلیل دیگری برای جبران خسارت مازاد بر دیه، بنای عقلاست. اگر جامعه عقلایی امری معقول را بپذیرد، باید این امر توسط شارع مقدس نیز تأیید شود. سیره عقلای جامعه نشان می‌دهد که در مورد هزینه‌های درمان مازاد بر دیه، تردیدی وجود ندارد و عدم مخالفت قانونگذار اسلامی نیز تأیید این مطلب است.

برخی فقها، مانند آیت‌ا... نوری همدانی، فتوا به لزوم پرداخت هزینه‌های درمان و خسارت‌های مالی مستقل از دیه داده‌اند. در بین حقوقدانان، هیچ نظری مبنی بر عدم جبران خسارت‌های مازاد بر دیه وجود ندارد و به قوانین مربوطه نیز استناد می‌شود، هرچند قوانین خاصی به صراحت به خسارات مازاد اشاره نکرده‌اند، اما می‌توان از برخی قوانین به لزوم جبران آن‌ها پی برد، چراکه مسئولیت عمومی برای جبران تمامی خسارات مدنی ناشی از جرم وجود دارد و اگر دیه کافی نباشد، جانی ملزم به پرداخت تمام خسارات است (۱۹).

قوانین مربوطه عبارتند از:

۱ـ قانون مسئولیت مدنی که طبق ماده ۱ آن، هر نوع ضرر و زیان مادی و معنوی قابل مطالبه است؛

۲ـ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در برابر اشخاص ثالث که بر اساس ماده ۱ آن، تمامی دارندگان وسایل نقلیه مسئول جبران خسارات مالی و بدنی ناشی از حوادث هستند. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی نیز جبران خسارت بدنی را شامل هزینه‌های درمان و نقص عضو می‌داند.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری ۵/۴/۱۳۷۵ به نیاز به جبران خسارت مازاد بر دیه اشاره کرده و اعلام داشته است که جبران سایر خسارات به مجنی‌علیه نافی دیه نیست و از مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و قواعد لاضرر و تسبیب ضرورت جبران این خسارات استنباط می‌شود. رأی دادگاه حقوقی یک تبریز نیز این موضوع را تأیید کرده است (۲۰).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

نتیجه اینکه پزشک در صورت خطا یا تقصیر و آسیب به بیمار ضامن دیه است و اگر هزینه‌های درمان و خسارت ناشی از از کارافتادگی بیمار بیش از دیه باشد، می‌تواند خسارت مازاد را نیز مطالبه کند.

مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی رعایت حرمت اشخاص و حقوق اجتماعی آنان است. به همین دلیل، اسلام نسبت به خسارات مادی و معنوی جبران‌نشده بی‌تفاوت نیست. درباره ماهیت دیه بین فقها و حقوقدانان سه دیدگاه اصلی وجود دارد:

۱ـ برخی فقهاء دیه را صرفاً جبران خسارت می‌دانند و به متون دینی و اصل شخصی‌بودن جرم استناد می‌کنند، اما این دیدگاه به دلیل نقص در ملاحظات خود قابل قبول نیست؛

۲ـ گروهی دیگر دیه را نوعی کیفر تلقی می‌کنند و برای اثبات این امر به دلایلی چون پرداخت دیه به عنوان تنبیه، قرارگرفتن دیه در کنار دیگر مجازات‌ها و نامیدن آن به عنوان مجازات مالی استناد می‌کنند، اما چنین نظری محدود و غیر قابل قبول است؛

۳ـ عده‌ای دیگر دیه را دارای ماهیتی دوگانه می‌دانند: هم کیفر و هم جبران خسارت. آنان به روایت‌ها، پرداخت دیه توسط عاقله در قتل خطای محض و مفهوم أرش اشاره می‌کنند و معتقدند وجود سوءنیت در تحقق جنایت ضروری است، در حالی که در قتل خطای محض این عنصر وجود ندارد. ادله این گروه قانع‌کننده‌تر است.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که دیه ماهیتی دوگانه دارد، در صورتی که هزینه‌های درمان و حفظ آبرو بیشتر از مبلغ دیه باشد، مجنی‌علیه می‌تواند مازاد را از جانی مطالبه کند، اما در خصوص خسارات مازاد بر دیه دو دیدگاه وجود دارد:

۱ـ برخی این مطالبه را غیر شرعی می‌دانند و معتقدند چون در متون دینی به خسارت مازاد اشاره نشده و مبلغ دیه معین است، مجنی‌علیه نمی‌تواند مازاد را دریافت کند؛

۲ـ در مقابل، گروهی دیگر دریافت مازاد را مشروع می‌دانند و به قاعده لاضرر استناد می‌کنند، زیرا از نظر دین اسلام ضرر نفی شده است. آنان اشاره می‌کنند که دیه یک موضوع اجتماعی است و باید شرایط زمان و مکان را مد نظر قرار داد، بنابراین شرایط زندگی امروز اقتضا می‌کند که دریافت خسارات مازاد برای هزینه‌های درمان مجاز باشد.

دلیل سوم این گروه استدلال عقلا است که جبران همه خسارات بدنی را ضروری می‌داند. آخرین دلیل قیاس اولویت است، زیرا اگر دریافت خسارات مالی دیگر مجاز است، طبیعتاً خسارت‌های بدنی هم قابل مطالبه خواهد بود. در پایان، مصادیق خسارات مازاد شامل هزینه‌های درمانی غیر قابل جبران، خسارات ناشی از کارافتادگی، افزایش هزینه‌های زندگی و خسارات معنوی است.

فقیهان سهل‌انگاری در اعمال درمانی را حرام و مستوجب ضمان دانسته‌اند. امروزه با توجه به اهمیت سلامت جسم و روح، حیثیت اجتماعی و سایر امور مربوط به شخصیت انسان، خسارت معنوی قابل جبران شده است و به بررسی روش‌های جبران آن پرداخته‌اند (۱۲).

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸ و مواد ۱، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به این موضوع تأکید دارند. همچنین با وجود اشاره به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵ قانون مذکور، تبصره ۱ آن پرداخت خسارت معنوی در جرائم مستوجب دیه را به رسمیت نشناخته است.

روش‌های جبران خسارات معنوی ناشی از معالجات پزشکی در حقوق ایران به سه دسته جبران مالی، جبران از طریق عذرخواهی و جبران نمادین یا اسمی تقسیم می‌شود.

قبل از تصویب ق.آ.د.ک در سال ۱۳۹۲، در حقوق ایران امکان مطالبه خسارت معنوی با تردیدهایی مواجه بود که به شک و نفی فقیهان مربوط می‌شد. آن‌ها معتقد بودند که خسارت معنوی ناشی از افترا را نمی‌توان به طور مالی جبران کرد و تنها افترازننده موظف به تکذیب خود است. به همین دلیل، شورای نگهبان در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸، تنها خسارت‌های مادی را مورد تأیید قرار داد.

با تصویب ق.آ.د.ک در سال ۱۳۹۲، ماده ۱۴ این قانون به صراحت جبران مالی و غیر مالی خسارات معنوی را تأسیس کرد، اما تبصره ۲ این ماده اعلام کرد که جبران خسارت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

معنوی شامل جرائم دیه‌دار نمی‌شود که به ویژه در مواردی مانند اشتباهات پزشکی این امر را غیر ممکن می‌کند.

این استثنا از جبران خسارات معنوی به دلیل ایراد شورای نگهبان مبنی بر اینکه قائل‌شدن به خسارت مالی در موارد معین خلاف موازین شرع است، ایجاد شده است. به عبارت دیگر، مبلغ دیه به عنوان جبران تمامی خسارات، از جمله خسارات معنوی، در نظر گرفته شده است. با این حال، دیه تعیین‌شده برای برخی آسیب‌ها به ارزش زیبایی اعضای بدن توجه دارد و می‌توان آن را نوعی جبران مالی خسارت معنوی قلمداد کرد. به عنوان مثال، طبق ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی، شکستن بینی که موجب فساد آن شود، دیه کامل دارد و اگر اصلاح بدون عیب و نقص باشد، یک‌دهم دیه کامل معین شده است (۲۱). علاوه بر این، برای از بین‌بردن دو لاله گوش دیه کامل تعیین شده و این حکم بین گوش‌های شنوا و ناشنوا تفاوتی قائل نشده است. همچنین برای جراحات سر و صورت دیه بیشتری در نظر گرفته شده که به دلیل تأثیر این جنایات بر زیبایی فرد است.

بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ که زیان معنوی را به صدمات روحی یا هتک حیثیت تعریف می‌کند، همچنین به دلیل ایراد شورای نگهبان در مورد جبران مالی در موارد دیه‌دار، امکان جبران خسارت معنوی از طرق غیر مالی نظیر الزام به عذرخواهی وجود دارد. استفاده از عبارت «پرداخت خسارت معنوی» در تبصره ۲ نیز این نظر را تأیید می‌کند.

هر کس به مسلمان فقیر بی‌اعتنایی کند و او را کوچک بشمارد، حق خداوند را سبک شمرده و در روز قیامت خداوند نیز او را کوچک خواهد شمرد، مگر اینکه توبه کند و عذرخواهی نماید. بر اساس ماده ۱۰ ق.م.م، کسی که به حیثیت او لطمه وارد شود، می‌تواند جبران زیان مادی و معنوی خود را طلب کند. اگر اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب کند، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر مانند الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید حکم دهد. طبق تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند همچنین به رفع زیان از این طرق حکم کند و تبصره ۲ این ماده، مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی در جرائم موجب دیه را مستثنی می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به استفاده از اصطلاح «پرداخت»، ممنوعیت جبران خسارت معنوی در جرائم موجب دیه فقط ناظر به پرداخت مالی است.

جبران خسارت معنوی ناشی از معالجات پزشکی به روش نمادین، معمولاً در مواردی کاربرد دارد که زیان‌دیده می‌خواهد نشان دهد که جبران خسارت‌های روحی او با پول امکان‌پذیر نیست یا در موقعیت‌هایی که خطای پزشکی خسارت جزئی ایجاد کرده است. در این روش، پزشک به کمترین مبلغ ممکن، مانند یک دلار یا یک پوند، محکوم می‌شود. برای خواهان، صدور حکم به جبران خسارت معنوی اهمیت واقعی و اجتماعی دارد (۲۲). روش نمادین و اسمی یکی از روش‌های مؤثر در جبران خسارت معنوی ناشی از معالجات پزشکی است که در حقوق ایران مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد قانونگذار باید بر جایگاه این روش تأکید کند و رویه قضایی نیز به آن توجه بیشتری داشته باشد، اگرچه طبق ماده ۳ قانون ق.م.م، قاضی اختیار لازم برای انتخاب روش جبران را دارد، برخی بر این باورند که در صورت عدم درخواست زیان دیده، قاضی نمی‌تواند به طور مستقل به جبران خسارت معنوی حکم کند (۲۳).

۴. جبران خسارت مادی و معنوی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی: در قانون عراق، جبران خسارت (دیه) وجود ندارد، زیرا این قانون وضعی است، در حالی که در ایران، قانون اسلامی و فقه شیعی به طور مشخص به دیه اشاره می‌کند. معمولاً تعیین خسارت بر اساس نظر کارشناس است، اما قاضی می‌تواند آن را به دلایل منطقی رد کند و ملزم به تعیین جبران خسارت برابر با ضرر است. اگر جبران خسارت بیشتر از ضرر باشد، به توانگری دیگران برمی‌گردد و اگر کمتر باشد، حکم ناعادلانه خواهد بود. قاضی در عراق در ارزیابی جبران خسارت برای بیمار قدرت بالایی دارد (۲۴).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

جبران خسارت در مسئولیت مدنی پزشکی در عراق به دو صورت ممکن است: توافقی یا قضایی. در هر دو حالت، قاضی اختیار بیشتری نسبت به ایران دارد که به احکام مشخص محدود است (۲۵).

در افغانستان، جبران خسارت عمدتاً از طریق پرداخت معادل مالی مطابق با ماده ۸۸۹ قانون جزا و ماده ۳۲ قانون مسئولیت مدنی انجام می‌شود. بر اساس ماده ۸۸۹، پزشک در صورت بی‌احتیاطی ممکن است به جزای نقدی ۵/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ افغانی محکوم شود. همچنین در صورت امتناع از درمان و آسیب به بیمار، علاوه بر جبران خسارت، مجازات نیز به دنبال خواهد داشت.

در حقوق مصر، خسارت معنوی تحت ماده ۱۷۱ قانون مدنی و قاعده فقهی لاضرر قابل جبران است. دادگاه‌ها با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی، جبران خسارت را به صورت نقدی صادر می‌کنند. جبران خسارت معنوی معمولاً به صورت وجه نقد است و در صورت درخواست بازگشت وضعیت قبلی، دادگاه نیز حکم بازگشت را صادر می‌کند (۲۶).

در فرانسه، بیماران ابتدا می‌توانند به متخصص بهداشت یا مرکز درمانی مراجعه و درخواست جبران خسارت کنند. اگر اختلاف ادامه یابد یا خسارت قابل توجه باشد، می‌توانند به بیمه‌گر یا دادگاه مراجعه کنند. سیستم بهداشت فرانسه روش‌هایی مانند کمیسیون‌های مصالحه و جبران حوادث پزشکی را برای تسهیل دادرسی و جبران خسارت ایجاد کرده است.

اداره ملی جبران خسارات حوادث پزشکی نیز بر اساس قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ تأسیس شده و هدف آن تسهیل جبران سریع و رایگان خسارت به قربانیان است. قربانیان قصور پزشکی می‌توانند به این اداره مراجعه کنند و در صورت امتناع بیمه‌گران از پرداخت در حقوق آمریکا، درمان بدون رضایت کتبی و اطلاع‌رسانی به عنوان ضرب و جرح محسوب می‌شود و بیمار می‌تواند برای جبران خسارت اقدام کند. اصلاحات قانونی در آمریکا به منظور حمایت از بیماران و کاهش آلام آنان انجام شده است.

تناسب نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی پزشک تنها وجه اشتراک حقوق ایران و آمریکا است، اما در ارزیابی و جبران خسارات معنوی اختلافات عمده‌ای وجود دارد. در حقوق آمریکا، صدمات روحی و درد و رنج به عنوان خسارت شناخته می‌شوند و ارزیابی آن‌ها به هیأت منصفه محول شده است. علاوه بر این، برخی ایالت‌ها سقف قانونی برای خسارات معنوی ناشی از اشتباهات پزشکی تعیین کرده‌اند. در حقوق انگلستان، جبران خسارات معنوی و مادی ممکن است، اما مبلغ مشخصی وجود ندارد و تعیین خسارت به کارشناسان سپرده شده که باعث صدور آرای متفاوت در موارد مشابه گردیده است.

نتیجه‌گیری

وقتی خطای پزشک اثبات شود، بیمار می‌تواند علاوه بر جبران خسارات مالی ناشی از بیماری و نقص عضو، خسارات معنوی خود را نیز از پزشک مطالبه کند، هرچند بحث درباره خسارات معنوی در فقه چندان مطرح نیست و گاهی مورد تردید است، قانون مسئولیت مدنی به صراحت این نوع خسارات را قابل مطالبه می‌داند، هرچند رویه قضایی بر این امر تأکید چندانی ندارد. یکی از خسارات بیمار، از کارافتادگی موقتی یا دائمی است. فرد پس از آسیب‌دیدگی ممکن است برای مدت طولانی نتواند کار کند که این امر به معنای از دست‌دادن درآمد و ایجاد ضرر قابل توجهی است که معمولاً برابر با بخشی از دیه آسیب می‌باشد و بستگی به شخص و تخصص او دارد. نادیده‌گرفتن این واقعیت‌ها و تکیه صرف بر اصول سنتی، از نظر عقلانی ناکارآمد و ناعادلانه است.

در فقه امامیه، احکامی وجود دارد که ضرورت تعدیل نظراتی که هزینه‌های درمان و از دست‌دادن منافع کاری را غیر مضمونه می‌نامند، را روشن می‌سازد. دیه نوعی مسئولیت حقوقی است که تفکیک بین مسئولیت کیفری و مدنی ندارد، در حالی که این تقسیم‌بندی در نظام‌های نوین حقوقی مطرح است. بنابراین دیه هم جنبه مسئولیت کیفری دارد و هم مسئولیت مدنی و جبران خسارت و به همین ترتیب، تقسیم

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

بین خسارات اقتصادی و غیر اقتصادی در دیه لحاظ نشده است.

از نظر منطقی حقوقی، با تصویب قانون مجازات اسلامی و دیات، استناد به قانون مسئولیت مدنی قابل توجیه نیست. در خصوص خسارات جانی، قانون فقط به پرداخت دیه اشاره می‌کند و سایر خسارات (اقتصادی یا غیر اقتصادی) ناشی از صدمات جانی را رد می‌کند که این امر در بسیاری از موارد غیر عادلانه است، مثلاً هزینه‌های درمان یکی از مهم‌ترین خسارات ناشی از آسیب‌های جانی است و پیشرفت‌های پزشکی امکان ترمیم بسیاری از بیماری‌ها و صدمات را فراهم کرده، هرچند هزینه‌های درمان گاهی از مقدار دیه بیشتر است.

بنابراین طرح جبران مالی خسارات معنوی در حقوق ایران با الهام از الگوی حقوق آمریکا می‌تواند قدمی مهم در احقاق حقوق زیان‌دیدگان باشد. تعیین مبلغ ثابت به عنوان دیه برای تمام خسارات بدنی، بدون توجه به وضعیت فرد و آثار روانی آن، با اصول عدالت سازگار نیست. همچنین با توجه به تنوع آسیب‌های روانی مرتبط با خسارات بدنی، گسترش دامنه مصادیق خسارات معنوی در حقوق ایران می‌تواند مثمر ثمر باشد. به این ترتیب، تخصصی‌شدن اصول و قوانین مرتبط با حقوق پزشکی در نظام حقوقی ایران، رسیدن به عدالت در این زمینه را تسهیل خواهد کرد.

مشارکت نویسندگان

علی احمدی: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نگارش اولیه، اصلاح متن و تدوین کلی مقاله.

علی پورجواهری: مشاوره و نظارت بر تدوین مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

از هوش مصنوعی Sider برای کمک به خلاصه‌سازی منابع و بررسی املایی و نگارشی متن به کار گرفته شد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Piri Amirhajiloo F, Rahmani M. Analysis of Patient Compensation Systems. Iran J Forensic Med. 2020; 26(1): 131-138. [Persian]

2. Salehi HR, Razavi SM, Rafiei R, Kavoossi Y. Compensation for Moral Damages arising from Medical Treatments in Iranian and American Law. Journal of Medical Law. 2020; 14(53): 77-120. [Persian]

3. Ghaffari S, Ebrahimian N, Ghasemi M, Abbaslu B. Collecting Liability for Compensation for Medical Accidents. Journal of Medical Law. 2020; 14(53): 55-76. [Persian]

4. Ashrafzadeh Farsangi M. Claiming material damage from the patient in the event of a doctor's failure. Journal Law Research of Ghanonyar. 2018; 1(1): 177-196. [Persian]

5. Behrouzizad H. Legal regime governing compensation for Corona vaccine. Journal of Research and Development in Comparative Law. 2021; 4(11): 15-53. [Persian]

6. Dadmehr A, Divdar A. Medical crimes related to the health sector in Iranian law. Maragheh: First National Conference on Health Promotion and its Legal and Medical Challenges; 2023. [Persian]

7. Salāmi T, Haghiparast A, Araghi M, Mahrirokh M, Katanchi A. Physician’s guarantee, medical crimes and their examples in Islamic jurisprudence and Iranian law at a glance. Mashhad: National Conference on Foundational Fiqh and Legal Studies, Theories, Approaches, Challenges; 2022. [Persian]

8. Fani R, Manafipour MR. Differential review of medical offenses. Tehran: The Fifth International Conference on Jurisprudence, Law and Religious Research; 2022. [Persian]

9. Afraasiab M. Medical, Pharmaceutical and Food Crimes. Tehran: The Judiciary Press and Publications Center; 2020. [Persian]

10. Mahmoudi ZH. Contract of Criminal and Civil Liability of the Family Physician in the Iranian Legal System. Tehran: Ghanoon Yar Publications; 2018. [Persian]

11. Hemmati ZN, Hosseini HA. A Study on the Legal Scope and Authority of Quasi-Judicial Specialized Competent Authorities in Medical and Paramedical Offenses with Several Examples in Hospitals Affiliated to the Social Security Organization. Meybod: The Fourth National Conference on Law of Efficient Evaluation of Law in the Islamic Republic of Iran System; 2017. [Persian]

12. Pirmohammadi AN, Koonani M. Medical Civil and Criminal Liability. Tehran: Mahvareh Publications; 2014. [Persian]

13. Vahdati Shabiri SH. Principles of Civil and Contractual Liability. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture; 2011. [Persian]

14. Safai SH. Basis of Civil Liability of Physicians with a Glance at the New Bill for Islamic Penal Code. The Quarterly Journal of Judicial Law Views. 2023; 17(58): 141-156. [Persian]

15. Katouzian N. Civil Liability. Tehran: University of Tehran Press; 2012. [Persian]

16. Makarem Shirazi N. Medical Rulings. Qom: Publications of the School of Imam Ali ibn Abi Talib; 1988. [Persian]

17. Shafiei Sarvestani A, Rahman Setayesh MK, Ghiasi JA. The Law of Diya and the Requirements of the Time. Qom: Strategic Research Center of the Islamic Republic; 2011. [Persian]

18. Marashi MH. Blood money and damages resulting from crime. Journal of Justice Law. 1991; 55(1): 9-21. [Persian]

19. Noori Hamedani H. Explanation of al-Masael. Qom: Author's Publications; 2013. [Persian]

20. Moslehi AR. Islamic Penal Code in the Opinions of the Supreme Court. Tehran: Adabestan Publications; 2015. [Persian]

21. Arefi Maskuni A, Mozafari Anari M, Islam S. Conflict of Interests in Forensic Institutions in Iran's Legal System; From Explaining Examples of Conflict to Providing Solutions for its Management. Journal Majles and Rahbord. 2024; 31(117): 195-231. [Persian]

22. Sokoot Arani H, Masri M. Medical Errors in Islamic Penal Law. Tehran: Specialized Media Publications; 2010. [Persian]

23. Rashnudi A, Ahmadi Y. A Comparative Study of Compensation Methods for Moral Damages in the Legal System of Iran and England. Fares Law Research. 2023; 6(15): 53-78. [Persian]

24. Halbousi A. Professional and Ordinary Error. 1st ed. Beirut: Al-Halabi Human Rights Publications; 2007. Vol.2 p.374. [Arabic]

25. Khalil HA. Civil Medical Liability. Baghdad: Publications of Labea Sabah Library; 2016. Vol.3 p.237. [Arabic]

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

26. Saad AM. The Liability of Private Hospitals for the Errors of Doctors and Their Assistants. Cairo: Cairo University; 1983. [Arabic]

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.